

ما چه می‌گوییم؟

بایی که از شما می‌گویند

دیگه چه خبر؟

لایه‌لای اخبار حوزه خانواده گاهی از دست‌شان در می‌رود و محتواهایی در حوزه کودک و تربیت کودک هم می‌سازند. از اینهایی که تیتراژ خوب است و ویو می‌خورد. این هم از دست‌شان در می‌رود و گرنه تمام اخبار مهم، سیاسی و اجتماعی است. تازه محتوای حوزه کودک را هم یک «و نوجوان» در کنارش می‌چسبانند که بازه سنی بیشتری را دربر بگیرد، بی‌آن‌که بدانند و مطالعه تخصصی در حوزه نوجوان کرده باشند و شناخت دقیق داشته باشند. تقصیری هم ندارند. خبری در حوزه نوجوان نیست و خبرنگاری در این حوزه پرورش پیدا نمی‌کند و ما هم اگر اینجا برایتان می‌نویسیم، خیلی‌ها از خبره‌ها و قدیمی‌های رسانه می‌گویند وقت‌مان را تلف می‌کنیم و باید برویم حوزه‌ای دیگر تارشد کنیم. حرف از شما که می‌شود خبرها تلخ است؛ انگار صفحه حوادث باز می‌کنی. یک نوجوان توسط پدرش کشته شده، یا یک دختر در پارک قمر کشیده است. خبر خوب نمی‌شنوی. هیچ خبری هم از پرونده‌های دهان‌پرکن از حرف‌های شما نیست. ولی بر فرض که باشد، کدام‌تان صبح به صبح اخبار را چک می‌کنید؟



کجا سیر می‌کنید؟

سررسانه‌های دیگری کلاه مانده و مکتوبات تبدیل به نوشتارهای دهه ۵۰ و ۶۰ شده که پدربزرگ‌ها حالا فقط جدول هایش را حل می‌کنند. بای تلویزیون هم کسی لم نمی‌دهد و با پیژامه بنشیند، خصوصاً شما. سرکنترل و شبکه‌های تلویزیونی هم دعوا نمی‌شود. عصر شده عصر تفلکس و سینمای خانگی که تهش دیدن برنامه‌ها و فیلم‌های طنزش است. حالا حرف شما توی فضاهای مجازی بیشتر باب شده است. توی گوشی‌هایی که وسط مهمانی دست عمو و شوهر عمه است و اینستاگرامی که بالا و پایین می‌کند و توی اخبارهای تلگرامی. توی تولید محتواهای بلاگری، معرفی آخرین مدل گوشی و با من آماده شویم برویم مدرسه. حرف شما توی فضای مجازی خلاصه شده است توی نیازهایتان به لوازم آرایش و نشستن و دیدن ماشین‌های آخرین مدل توی پیج فروشگاه‌های اتومبیل فروشی و همین. خودتان خواسته‌اید حرفتان همین‌ها باشد. کجا سیر می‌کنید؟ توی دنیای خودتان پشت گوشی‌های خیلی هوشمند شده‌تان، نه؟ ولی خداوکیلی خواسته‌تان از رساندن صدایتان به گوش مسئول و جامعه و خانواده همین‌هاست؟ لابد ترس از آینده شغلی و فکر مهاجرت هم دارید و فکر می‌کنید کسی حرف شما را نمی‌شنود؟ حالا باید ازتان خرده بگیرم. شما بهترین و بزرگ‌ترین تربیون را دارید و می‌شود با دوتا محتوای دندان‌گیر بروید سر زبان‌ها. دهه شصتی‌ها و هفتادی‌ها خوابش را هم نمی‌دیدند یک روز بتوانند حرف‌شان را جار بزنند و باشند کسانی که لایکشان کند و زیر مطلب‌شان نظر کارشناسی و تشویق بگذارد. حالا باید ازتان خرده بگیرم که خودتان چقدر سعی کرده‌اید حرفتان را بنادازید سر زبان‌ها؟ چقدر سعی کرده‌اید به جای محتوای زرد اینفلوئنسری، محتوای درست و درمان بخوانید و بنویسید؟ از دغدغه‌هایتان چقدر گفته‌اید توی توییتر و چقدر فلان وزیر را زیرش منشن کرده‌اید؟ چقدر سعی کرده‌اید بگویید من هم هستم تا شما را ببینند؟

درست است نوجوان را تا دست بچنابند و ببینند پا به جوانی گذاشته اما از حق نگذریم، این نادیده گرفتن‌ها برای ۱۰ سال پیش بود. الان شما را می‌بینند. آنقدر که تادلان بخواهد ارگان‌های بزرگ دارند کار برای نوجوان می‌کنند. پس سواستفاده‌تان کجاست؟ از تربیون بزرگ پیچ‌ها و توییترها و فضاهای مجازی‌تان برای حرف‌های ناشنیده و دغدغه‌های‌تان استفاده کنید.



نی زمان
هم شبیه به
ی کمی در خصوص
می‌کردند و ما هم از سر
چندم آنتن عریض و طویل
ی که هنوز فقر در برنامه‌های
نه‌های دیگری در رسانه پیچید.
ی دارد، اما نه در رسانه و تربیون و
امه‌های اینترنتی
رحمت